

Investigating the Factors Affecting the Share of Food Costs of Urban and Rural Households: With Emphasis on Islam's Approach to the Household Dimension (Case Study of Isfahan Province)

Abolfazl Rahimi *

Received: 19/10/2020

Hojjat Izadkhasti **

Accepted: 21/01/2021

Abstract

Institution of the family, its functions and welfare in Islam have a special place. The share of food costs in the total household expenditure is one of the indicators of welfare and increasing the household dimension as one of its functions is affects this index. In this regard, the purpose of this study is to investigate the factors affecting the share of urban and rural households' food cost with emphasis Islam's approach to the household dimension using the least weighted least squares method and income and expenditure data of 9578 households in Isfahan province during the period (2006-2014). The results show that with the increase of the total household cost and the change of housing of households from rural to urban, the share of food costs decreases. Also, with the increase of the household dimension and the increase of the age of the head of the household, the share of food costs in the total cost of households has increased and has led to a decrease in household welfare. Accordingly, the government should apply different support policies to increase the level of welfare of households according to the size of the household, the age of the heads of households and their place of residence.

Key words: Household Welfare, Engle Curve, Food Costs, Households Dimension, Isfahan Province.

JEL Classification: I30, I31, I32, I38.

* Assistant Professor of Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, (Corresponding Author) ab_rahimi@sbu.ac.ir

** Assistant Professor of Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, h_izadkhasti@sbu.ac.ir

بررسی عوامل مؤثر بر سهم هزینه خوراک خانوارهای شهری و روستایی: با تأکید بر رویکرد اسلام به بُعد خانوار (مطالعه مورد استان اصفهان)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

ابوالفضل رحیمی*
حجت ایزدخواستی**

چکیده

نهاد خانواده، کارکردها و رفاه آن در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوار، به‌عنوان یکی از شاخص‌های رفاهی است و افزایش بعد خانوار به‌عنوان یکی از کارکردهای آن بر این شاخص اثرگذار است. در این راستا، هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر سهم هزینه خوراک خانوارهای شهری و روستایی با تأکید بر رویکرد اسلام به بعد خانوار است که با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی وزنی با استفاده از داده‌های درآمد و هزینه ۹۵۷۸ خانوار در استان اصفهان طی دوره زمانی (۱۳۸۶-۱۳۹۳) صورت می‌گیرد. نتایج حاصل شده بیانگر این است که با افزایش هزینه کل خانوار و تغییر محل سکونت خانوارها از روستا به شهر سهم هزینه خوراک کاهش می‌یابد. همچنین، با افزایش بعد خانوار و افزایش سن سرپرست خانوار، سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوارهای افزایش یافته و منجر به کاهش رفاه خانوار شده است. بر این اساس، دولت باید به‌منظور افزایش سطح رفاه خانوارها با توجه به ابعاد خانوار، سن سرپرست‌های خانوار و محل سکونت آن‌ها سیاست‌های حمایتی متفاوتی به‌کار گیرد.

واژگان کلیدی: رفاه خانوار، منحنی انگل، هزینه‌های خوراکی، بُعد خانوار، استان اصفهان.

طبقه‌بندی JEL: I30, I31, I32, I38

* استادیار اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ab_rahimi@sbu.ac.ir

** استادیار اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی و همکار پژوهشی مرکز مطالعات اقتصادی و سیاسی دانشگاه

h_izadkhasti@sbu.ac.ir

شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

اهمیت خانواده و نقش آن در جامعه رهاورد تأمل و تفکر در دو بعد وجودی انسان آشکار می‌گردد. خانواده یک نهاد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان است. همچنین هدف، ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده‌های اجتماعی است. نگاه مکاتب غربی و اسلامی به نهاد خانواده، اهداف و بعد خانوار متفاوت است. بر اساس نظریه بکر^۱ (۱۹۷۴)، تحلیل اقتصاد خانواده در چارچوب عقلانیت ابزاری صورت می‌گیرد. تحلیل اقتصادی خانواده در نظام غرب که مبتنی بر نظریه بکر^۲ (۱۹۷۴) است، در چارچوب عقلانیت ابزاری تحلیل می‌شود. در این نوع عقلانیت، تصمیم به تشکیل خانواده و بعد خانوار در چارچوب منافع شخصی و عدم توجه به فلسفه وجودی انسان، معاد و آخرت و انگیزه‌های معنوی شکل می‌گیرد؛ درحالی‌که در مکتب اسلام، نهاد خانواده، کارکرد آن و رفاه خانوار از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بر نقش و اهمیت خانواده در تشکیل جامعه نمونه انسانی تأکید دارد^۳. بکر (۱۹۷۴) تصمیم به ازدواج و روابط خانوادگی را مانند نظریه سنتی بنگاه‌های تجاری تحلیل می‌کند. بر این اساس، تحلیل اقتصادی خانواده در نظام غرب تنها در چارچوب عقلانیت ابزاری تحلیل می‌شود. هدف از تشکیل خانواده در اسلام، تأمین حقوق مادی و معنوی افراد خانواده است. بنابراین، تشکیل خانواده، بعد خانوار و عقلانیت حاکم بر آن فراتر از تحلیل نهاد اجتماعی خانواده بر اساس عقلانیت ابزاری در نظام غرب است. به‌علاوه، آگاهی از سطح رفاه خانوارها به‌صورت کمی می‌تواند به سیاست‌گذاران در اتخاذ تصمیمات درست در جهت افزایش رفاه خانوارها کمک کند. بنابراین، دولت در هر کشوری به‌دنبال این است تا با آگاهی از سطح رفاه جامعه، سیاست‌های خود را در جهت افزایش رفاه خانوارها طوری تنظیم کنند که رضایت جامعه را به‌همراه داشته باشند. بر این اساس، دستیابی به اندازه سطح رفاه خانوارها می‌تواند در جهت سیاست‌گذاری‌های درست کمک‌کننده باشد. یکی از متغیرهای مهم اثرگذار بر سطح رفاه خانوار، مصرف خانوارها از کالاها و خدمات است. از طرف دیگر، مصرف کل بزرگ‌ترین مؤلفه تقاضای کل است. بنابراین، مطالعات زیادی در حوزه بررسی الگوی هزینه و رفتار

خانوارها به‌عنوان مصرف‌کنندگان انجام شده است. در این راستا، برخی مطالعات به بررسی نحوه تخصیص بودجه خانوار به کالاهای مختلف پرداخته‌اند تا بتوانند به اطلاعات مفیدی در زمینه الگوی هزینه خانوار به‌دست آورند. الگوی هزینه خانوار عموماً زمانی مورد توجه حاکمان و دولتمردان قرار می‌گیرد که وضعیت معیشتی خانوارها به دلایل اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی در وضعیت مطلوبی قرار نگرفته باشد.

نتایج انقلاب صنعتی در اروپا باعث شد تا دکیتاکس^۴ (۱۸۵۵) در حوزه مصرف خانوارها تحقیقاتی را انجام دهد. پنداکور^۵ (۱۹۹۹: ۲۵)، معتقد است که باید الگوهای هزینه‌های خانوار و مقیاس معادل‌های متناظر آن‌ها به‌دلیل رفتارهای متفاوت خانوارها، به‌طور مجزا برای هر کشور تخمین زده شود (پنداکور، ۱۹۹۹، ص. ۲۵). انگل^۶ (۱۸۵۷) با بررسی داده‌های ۱۹۹۹ خانوار بلژیکی به این نتیجه می‌رسد که یک رابطه معکوس بین سهم هزینه خوراک و درآمد خانوارها وجود دارد. بر این اساس، هر چه خانوار ثروتمند باشند، سهم هزینه غذا پایین‌تر خواهد بود. همچنین، اگر دو خانوار سهم هزینه برابر داشته باشند، سطح رفاه آن‌ها یکسان خواهد بود. در مقایسه رفاه خانوارها معمولاً از متغیر درآمد به‌عنوان معرف رفاه خانوار استفاده می‌شود؛ اما خانوارها دارای ویژگی‌های متفاوتی از نظر اندازه (بعد) خانوار، سن سرپرست خانوار، میزان تحصیلات سرپرست خانوار و شهری یا روستایی بودن هستند و اثر این خصوصیات بر الگوی تقاضای خانوار کم‌اهمیت‌تر از قیمت و سطح بودجه خانوار نیست. در دهه‌های گذشته سهم هزینه غذا در بودجه خانوار مورد توجه اقتصاددانان کاربردی از قبیل نیکولسون^۷ (۱۹۷۶)، کوزنتز^۸ (۱۹۷۹)، دیتون^۹ (۱۹۹۷)، و پریس و هوتکر^{۱۰} (۱۹۵۵) قرار گرفته است و در این راستا به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خانوار و اثرات آن‌ها بر هزینه خانوار نیز پرداخته‌اند. در این راستا، دیتون و میرلبر^{۱۱} (۱۹۸۰) سطح رفاه خانوارها در بریتانیا، دیتون (۱۹۹۷) سطح رفاه خانوارها در پاکستان و ویتنام و لیوبل^{۱۲} (۲۰۰۸) سطح رفاه خانوارها در آمریکا را در بازه‌های زمانی مشخص بررسی کرده‌اند. لیوبل و پنداکور^{۱۳} (۲۰۰۹) و چای و مونتا^{۱۴} (۲۰۱۵)، چهار ویژگی خانوار کانادایی را با استفاده از روش برآورد پارامتریک از مدل انگل انجام داده‌اند.

مسئله این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر سهم هزینه خوراک از کل هزینه‌های خانوارهای شهری و روستایی با تأکید بر رویکرد اسلام به بُعد خانوار است. تحلیل مربوطه با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی وزنی - با استفاده از وزن‌های احتمالی - و با استفاده از داده‌های درآمد و هزینه ۹۵۷۸ خانوار در استان اصفهان طی دوره زمانی (۱۳۹۳-۱۳۸۶) صورت می‌گیرد. فرضیه اول تحقیق: رابطه منفی بین سهم هزینه غذا و کل هزینه خانوار وجود دارد. فرضیه دوم تحقیق: با افزایش بعد خانوار سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوار افزایش پیدا می‌کند و منجر به کاهش رفاه خانوار می‌شود. فرضیه سوم تحقیق: با افزایش سن سرپرست خانوار سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوار افزایش پیدا می‌کند و منجر به کاهش رفاه خانوار می‌شود. فرضیه چهارم تحقیق: با تغییر محل سکونت خانوار از روستا به شهر سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوار کاهش پیدا می‌کند و منجر به افزایش رفاه خانوار می‌شود. در ادامه در بخش دوم ادبیات نظری و پیشینه تحقیق پرداخته می‌شود. در بخش سوم، تصریح مدل صورت می‌گیرد. در بخش چهارم برآورد الگوهای تصریح شده و تجزیه و تحلیل نتایج انجام می‌شود. در نهایت، در بخش پنجم به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود.

۱. ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و هدایت آن به جایگاه واقعی‌اش، همواره سبب اصلاح انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه نابودی بوده است. ارزش خانواده پیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن استوار است؛ اعضای که انجام حقوق متقابل، آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است و اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم و برکنار از منیت‌ها ادامه یابد به کمال انسانی مورد انتظار خواهد انجامید. از نگاه قرآن، خانواده، مدرسه محبت و دوستی است.

یکی از روندهای جمعیتی بلندمدت در جوامع معاصر، کاهش بعد خانوار می‌باشد که منجر به تأثیراتی در ساختارهای خانوار این جوامع نیز شده است. خانوار که

به صورت گروهی از افراد که در اقامتگاه مشترکی ساکن هستند و هزینه‌ها، خوراک و دیگر ملزومات زندگی را با هم سهیم می‌شوند، تعریف می‌گردد، یک واحد اساسی و بنیادین اقتصادی - اجتماعی در جوامع بشری به‌شمار می‌آید. خانوارها، هسته مرکزی فرایندهای جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی هستند و بسیاری از تصمیمات مربوط به فرزندآوری، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، مصرف، مشارکت نیروی کار، مهاجرت و پس‌انداز در درجه اول در سطح خانواراتفاق می‌افتد. بر همین اساس، هرگونه کاهش یا افزایش در تعداد و میانگین بعد خانوار از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا می‌تواند پیامدهایی اقتصادی - اجتماعی متفاوتی در پی داشته باشد.

۱-۱. جایگاه نهاد خانواده در غرب و اسلام

کارکرد نهاد خانواده: در مکاتب غربی و اسلامی به نهاد خانواده از نظر کارکردها، اهداف و عقلانیت حاکم بر آن متفاوت نگریسته می‌شود. بر اساس متون اسلامی، خداوند از ابتدای حیات بشر پیامبرانی را از میان انسان‌ها برای هدایت آنان برگزیده است تا به تدریج آداب زندگی اجتماعی مطلوب و تشکیل خانواده را به آن‌ها بیاموزند. در این میان، دین اسلام به‌عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین توجه را به الایی و پویایی خانواده دارد و آداب ویژه‌ای برای زندگی خانوادگی وضع کرده و ساختار مطلوب و بهنجار خانواده را براساس آموزه‌های دینی بنا کرده است. اولین کارکرد خانه، تأمین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است که البته مرهون امنیت همه‌جانبه این محیط برای اعضاست. فضای محدود و امن خانه، حریمی برای ابراز احساسات بیان اسرار، ارضای غرایز و تأمین نیازهای جسمی و روحی انسان است. این سکونت و امنیت را خداوند به خود نسبت می‌دهد و در آیه ۷۰ سوره نحل می‌فرماید: «والله جعل لکم من بیوتکم سکنا؛ خداوند از خانه‌های شما محل سکونت و آرامش برایتان قرار داد». آیه ۷۴ سوره فرقان، در این زمینه بر نقش و اهمیت خانواده در تشکیل جامعه نمونه انسانی اشاره دارد و پیوندهای سالم خانوادگی را ایدئال پرهیزکاران معرفی می‌کند: «و کسانی که می‌گویند: پروردگارا! ما را از همسرانمان، فرزندانمان مرحمت فرما که نور چشم ما باشند و ما را رهبر پرهیزکاران گردان».

در مکاتب غربی، تحلیل اقتصادی خانواده تنها در چارچوب عقلانیت ابزاری تحلیل می‌شود. در این نوع عقلانیت، تصمیم به تشکیل خانواده در چارچوب منافع شخصی و عدم توجه به فلسفه وجودی انسان، معاد و آخرت و انگیزه‌های معنوی شکل می‌گیرد (باستانی‌فر و حیدری، ۱۳۹۴). بنابراین، نگاه غرب به خانواده بر اساس اصالت فرد است و منافع افراد در اولویت است. این نوع نگاه غرب به خانواده باعث بروز مشکلات زیادی در جوامع آن‌ها شده است (ایزدخواستی، ۱۳۹۸). بکر (۱۹۷۴) یکی از اقتصاددانانی است که درباره نقش اقتصادی خانواده نظریه‌پردازی کرده است. از نظر وی ازدواج پدیده‌ای رایج و پایدار است و پیامدهای اقتصادی دارد. بکر تصمیم به ازدواج و روابط خانوادگی را مانند نظریه سنتی بنگاه‌های تجاری تحلیل می‌کند. وی معتقد است که افراد زمانی را برای جستجوی همسر مورد علاقه خود صرف می‌کنند تا شخصی را پیدا کنند که بیشترین مطلوبیت را برای آن‌ها داشته باشد و این کار مانند تلاش بنگاه‌ها برای یافتن بهترین نیروی کار ممکن است. در نتیجه، جستجوی طولانی‌تر منجر به کسب اطلاعات بهتری درباره مطلوب‌ترین همسر فراهم می‌شود. بنابراین، این نظریه پیش‌بینی می‌کند که افرادی که در جوانی ازدواج می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که طلاق بگیرند (بکر، ۱۹۷۴، صص. ۳۰۴-۳۰۲).

هدف تشکیل نهاد خانواده: از منظر اسلام، خانواده گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی است که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مرد تشکیل می‌دهد و هدف از تشکیل خانواده در آن، تأمین حقوق مادی و معنوی افراد خانواده است. در عین رعایت احترام ذاتی انسان، به رابطه فرد با خدا به‌عنوان محور اصلی تمام امور نگریسته شده است و مبنای همه دستورات است. بنابراین، خانواده تنها نهاد فطری، بی‌بدیل و جهان‌شمولی است که بر اساس فلسفه زوجیت بنا نهاده شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (رم: ۲۱). بر اساس این آیه قرآن کریم، مهم‌ترین ارکان خانواده مودت و رحمت میان زن و مرد است و بهترین محل تلاقی ویژگی‌های مکمل زن و مرد محسوب می‌شود. پیوند این ویژگی‌ها در نظامی هماهنگ می‌تواند تعادل روحی و روانی را برای اعضای خانواده ایجاد کند.

بنابراین، تشکیل خانواده، بُعد خانوار و عقلانیت حاکم بر آن فراتر از تحلیل نهاد اجتماعی خانواده بر اساس عقلانیت ابزاری در نظام غرب است. همچنین، خداوند بر اهمیت خانواده و پیش‌آهنگی آن در تشکیل جامعه نمونه انسانی اشاره دارد، چنان‌که پیوندهای سالم و درخشان خانوادگی را ایدئال پرهیزکاران معرفی می‌کند. خداوند در آیه ۷۴ سوره فرقان می‌فرماید: «والذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا قرّة أعین واجعلنا للمتقین إماماً» و کسانی که می‌گویند خدای ما، ما را از همسرانمان نور چشمان ببخش و ما را رهبر پرهیزکاران گردان. در جای دیگر می‌فرماید: «هَنّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» (بقره: ۱۸۷)؛ آن‌ها لباس شما هستند، و شما لباس آن‌ها. بنابراین، زن و مرد را زینت هم و سبب حفظ یکدیگر می‌داند. بر این اساس، خانواده معبدی است که اعضای آن مدارج بندگی را طی می‌کنند و افزون بر تأمین حقوق دنیوی خود مانند امنیت، تغذیه، بهداشت، حقوق معنوی خود را نیز جستجو می‌کنند. در جایی دیگر می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷). «هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام داده‌اند پاداش خواهیم داد». خداوند متعادل در این آیه پیش‌شرط رسیدن به حیات طیبه و وارد شدن به بهشت را ایمان و عمل صالح بیان می‌کنند که این در محیط خانواده‌ای شکل می‌گیرد که بر اساس مبانی اسلامی بنا شده باشد.

۲-۱. معیارهای تعیین‌کننده رفاه خانوار

الف) درآمد سرانه: در مقایسه رفاه خانوارها معمولاً از متغیر درآمد به‌عنوان معرف رفاه خانوار استفاده می‌شود؛ اما خانوارها دارای ویژگی‌های متفاوتی از نظر اندازه (بُعد) خانوار، سن افراد خانوار، میزان تحصیلات و شهری یا روستایی بودن هستند و اثر این خصوصیات بر الگوی تقاضای خانوار کم‌اهمیت‌تر از قیمت و سطح بودجه خانوار نیست. یک راه‌حل ساده، در مورد رفع تفاوت اندازه خانوارها، محاسبه مخارج سرانه افراد در خانوار است و به‌عنوان شاخص رفاه منظور شود؛ اما از آنجایی که خانوارها از نظر ترکیب سنی و اندازه متفاوت هستند، لازم است از شاخص‌های رفاهی دیگری استفاده شود.

ب) مقیاس‌های معادل خانوار: یک راه‌حل ساده استفاده از نظام وزندهی است که در آن با توجه به خصوصیات خانوار ضریبی برای هر یک در نظر گرفته می‌شود تا الگوی مصرف خانوارهای مختلف تعدیل و قابل مقایسه شوند. به عبارت دیگر، مقیاس‌های معادل خانوار^{۱۵} یک زمینه اقتصادی برای اعمال اثر تغییرات جمعیتی (مانند ترکیب سنی خانوار و اندازه خانوار)، محل سکونت خانوار (شهری یا روستایی)، نژاد (سیاه یا سفید) جنسیت (مرد یا زن) و موارد مشابه بر توزیع رفتار کلی خانوارها است. قدیمی‌ترین روش تعیین مقیاس‌های معادل به زمان انگل^{۱۶} در سال ۱۸۵۷ برمی‌گردد. از زمان انگل در اواخر قرن نوزدهم، این عقیده بین اقتصاددانان و جمعیت‌شناسان وجود داشته است که آمارهای هزینه خانوار می‌تواند ما را در محاسبه مقیاس‌های معادل بزرگسال کمک کند. این آمارها می‌توانند برای تحلیل چگونگی تغییر الگوی تقاضای خانوار با تغییر ترکیب آن‌ها مورد استفاده قرار گیرند. روش انگل بر پایه این فرض تعیین‌کننده است که سهم بودجه‌ای که خانوار به غذا تخصیص می‌دهند، به‌خوبی بیانگر رفاهی است که بین خانوارهای مختلف وجود دارد و به‌وسیله این شاخص می‌توان خانوارهایی با ترکیب جمعیتی مختلف را با هم مقایسه کرد. بر این اساس، اگر سهم بودجه‌ای که یک خانواده بزرگ و یک خانواده کوچک به غذا اختصاص می‌دهند یکسان باشد، در سطح رفاه یکسانی قرار دارند. انگل (۱۸۹۵) رفاه عمومی را این‌گونه تعریف می‌کند که هر فرد از روی انگیزه بیشترین علاقه را بر رضایت مستمر آن دسته از خواسته‌هایی نشان دهد که مستقیماً از نیاز انسانی خود ناشی می‌شود. همچنین، رسیدن به وسایل لازم برای ارضای بالاتر دنبال می‌شود؛ به شرطی که این وسایل برای ساکنان یک کشور امکان‌پذیر باشد. هر چه این محدوده از فرصت برای همه شهروندان فراهم شود، رفاه خانوار و جامعه بیشتر خواهد شد. برای هر ترکیب خانوار، قانون انگل بیانگر رابطه منفی بین سهم غذا و کل هزینه خانوار است. اگر مخارج کل خانوارها ثابت باشد، خانوار پرجمعیت سهم بیشتری از بودجه خود را صرف غذا می‌کند. در نتیجه منحنی انگل به سمت بالا و راست منتقل می‌شود.

روتبارد^{۱۷} (۱۹۴۳)، مخارج کالاهای مخصوص بزرگسالان را به‌عنوان شاخص مربوط به سطح رفاه بزرگسالان به‌کار برده است. بر اساس این رویکرد، اگر بچه‌ای که

متولد می‌شود این مخارج را کاهش دهد، این به خاطر منابعی است که به بچه تخصیص یافته است. روتبارد با محاسبه این که چه میزان از یک کاهش در درآمد، همان میزان کاهش در مخارج کالاهای بزرگسالان ایجاد می‌کند، به این نتیجه رسید که کاهش در درآمدی که معادل بچه اضافه شده است، هزینه بچه خواهد بود.

پ) سهم هزینه غذا در بودجه خانوار: در دهه‌های گذشته سهم هزینه غذا در بودجه خانوار به عنوان معیار رفاهی مورد توجه اقتصاددانان کاربردی قرار گرفته است. در این راستا، به نقش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خانوار از قبیل سن سرپرست خانوار، اندازه خانوار، همچنین، میزان تحصیلات سرپرست خانوار، و شهری یا روستایی بودن خانوارها بر سهم هزینه غذای خانوار در بودجه خانوار نیز پرداخته شده است. در این راستا، برخی مطالعات به این نتیجه رسیده‌اند که سهم هزینه مواد خوراکی در بودجه در میان خانوارهای با ترکیب جمعیتی متفاوت تغییر خواهد کرد. در این راستا، نیکولسون (۱۹۷۶)، کوزنتز (۱۹۷۹)، دیتون^{۱۸} (۱۹۹۷)، آتانانسیو^{۱۹} (۱۹۹۹)، هندری^{۲۰} (۲۰۰۰)، ماجومدر و چاکرایارتی^{۲۱} (۲۰۰۸)، چای و مونته^{۲۲} (۲۰۱۰) و مولانا و رحیمی^{۲۳} (۲۰۱۴) پژوهش‌هایی را در ارتباط با عوامل اثرگذار بر سهم هزینه غذایی خانوارها انجام داده‌اند.

نیکولسون (۱۹۷۶) معتقد است که سهم هزینه مواد خوراکی در بودجه در میان خانوارهای با ترکیب جمعیتی متفاوت شاخص مناسبی از رفاه محسوب نمی‌شود. وی استدلال می‌کند که اگر در خانواده‌ای که بچه نداشته است، یک فرزند متولد شود و فرض می‌شود که مقدار صحیح جبران آن را می‌دانیم و به صورت میزان پول لازم برای بچه بدون کم کردن از مخارج والدین تعریف شود. اگر این مقدار جبرانی پرداخت شود، والدین واقعاً همان رفاه قبل را دارند و احتمالاً همان ترکیب کالایی که قبلاً مصرف می‌کردند را مصرف خواهند کرد. با این حال اقلامی که مخارج بچه‌ها را تشکیل می‌دهد با والدینش متفاوت است. به طور خاص، آن‌ها تمایل زیادی به مواد غذایی دارند که در سبد مصرفی والدینشان یکی از کالاهای ناچیز است. در نتیجه، وقتی که میزان مبلغ جبرانی صحیح پرداخت شود، سهم غذا در الگوی مصرف خانوار در مقایسه با الگوی قبل از تولد بیشتر می‌شود؛ اما با توجه به روش انگل سهم غذا یک ملاک معکوس از رفاه است.

بنابراین، رفاه خانوار بدتر شده است و ضروری است تا جبران‌های دیگری برای کاهش سهم غذا تا سطح اولیه صورت گیرد. پس مقدار جبرانی انگل بیش از حد است و برآوردهای هزینه بچه‌ای که از روش انگل استفاده می‌شود بسیار بالا است. تمرکز استدلال نیکسون بر این است که اولاً، فرض سهم غذا تعیین‌کننده رفاه است، مورد تأیید نمی‌باشد و از دو قاعده اهمیت غذا در بودجه و قانون انگل منتج نمی‌شود. دوم، این که این روش منجر به برآورد مضاعف هزینه بچه و مقیاس معادل بچه‌ها می‌شود.

کوزنتز (۱۹۷۹)، بیان می‌کند که هزینه کل خانوار با افزایش اندازه خانوار افزایش می‌یابد، ولی سرعت افزایش آن از سرعت افزایش اندازه خانوار کمتر است. به این ترتیب هزینه سرانه با افزایش اندازه خانوار کاهش می‌یابد.

پازینتی^{۲۴} (۱۹۸۱) بیان می‌کند که: «در هر سطح معینی از درآمد سرانه و در هر ساختار قیمتی مشخص نسبت درآمد صرف‌شده توسط هر مصرف‌کننده بر هر کالای خاص ممکن است بسیار متفاوت از یک کالا به کالای دیگر باشد.» این نشان می‌دهد که برای شرح کامل چنین ناهمگونی، فرد باید تجزیه و تحلیل توزیع را انجام دهد.

آناناسیو (۱۹۹۹) معتقد است که بیشتر ادبیات تجربی در مورد مصرف، با رویکردی محدود از نظریه مشخص می‌شود. در واقع عملکرد مشخصات پارامتری که در برآورد هر تقاضای خاص به کار می‌روند، به‌طور کلی با برخی از تئوری‌های اساسی در مورد هزینه‌های خانوار سازگار است. همچنین، رفتار که اغلب اوقات یک مدل استاندارد مبتنی بر حداکثر منافع و مطلوبیت است، توسط عوامل سراسر منطقی انجام شده است. به علاوه، برآورد سیستم‌های تقاضا یا منحنی‌های انگل، ناهمگونی هزینه‌های خانوار را از سطح هزینه‌های زندگی یا توزیع سهم بودجه، بر روی کالا حذف می‌کند. ناهمگونی الگوهای هزینه مصرف خانوار به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان یک ویژگی مهم در نظر گرفته می‌شود و برای شرح کامل چنین ناهمگونی، باید تجزیه و تحلیل توزیع صورت گیرد. در این تجزیه و تحلیل بررسی می‌شود که چگونه شکل هزینه‌های مصرفی خانوار و توزیع سهم بودجه در طول زمان و بین گروه‌های کالای مختلف تغییر می‌کند.

هندری^{۲۵} (۲۰۰۰) بیان می‌کنند که یک رویکرد مبتنی بر داده ممکن است به تجزیه و تحلیل توزیع و کشف واقعیت‌های سبک جدید هزینه مرتبط با چگونگی تخصیص

هزینه‌های مصرفی خانوار کمک کند. بنابراین، تلاش‌های بسیاری برای توسعه توابع تقاضای آماری برای گروه‌های مختلف کالاها انجام شده است. این امر با در نظر گرفتن هزینه خانوارها برای یک کالای خاص با قیمت‌ها و متغیرهای خاص فردی مانند کل هزینه یا درآمد، اندازه خانوار، سن سرپرست خانوار، سطح سواد سرپرست خانوار و قیمت آن و مانند آن‌ها صورت می‌پذیرد.

چای و مونتته^{۲۶} (۲۰۱۰)، معتقدند که اندازه‌گیری نهایی رفاه درجاتی دارد و بر اساس آن افراد قادر به تأمین خواسته‌های خود خواهند بود. آن‌ها اشاره می‌کنند که ویت^{۲۷} (۲۰۰۱)، تمایلات ذاتی مثل گرسنگی را عاملی در ایجاد انگیزه مصرف می‌داند. چای و مونتته (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که اسمیت^{۲۸} (۱۷۷۶) و سینور^{۲۹} (۱۸۳۶) معتقدند که انگل از گرایش مشترک میان اقتصاددانان کلاسیک فاصله گرفته و تصور کرده است که برخی از کالاهای اساسی ذاتاً بیشتر از سایر کالاهای لوکس بر رفاه اثرگذار هستند.

بر اساس رویکرد انگل (۱۸۹۵)، ورکینگ (۱۹۴۳) و لیسر (۱۹۶۳)، بیولی (۱۹۸۲)، پریس و هوتکر (۱۹۵۵)، سهم هزینه غذا در هزینه کل خانوار شاخص خوبی از سطح رفاه خانوار است و با ثابت بودن سایر شرایط، خانوارهای دارای ترکیب جمعیتی یکسان، آن‌هایی که سطح درآمد کمتری دارند، سهم هزینه خوراک آن‌ها بیشتر است و دارای سطح رفاه پایین‌تری هستند. این فرایند می‌تواند بین خانوارهایی که ترکیب جمعیتی متفاوتی دارند، نیز به کار رود. پریس و هوتکر (۱۹۵۵) و لیوبل و پنداکور (۲۰۰۹)، با وارد کردن ویژگی‌های جمعیت از قبیل بُعد خانوار و سن سرپرست خانوار، در الگوی هزینه خانوار، سطح رفاه خانوار را بررسی کرده‌اند. البته بعد خانوار و تعداد فرزندان خانواده با توجه به نوع نگرش افراد به فرزندآوری در مکاتب غربی و اسلامی، می‌تواند تفاوت داشته باشد. به علاوه، تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان، امر بسیار مهمی است که لازم است در فرزندآوری مورد توجه قرار گیرد.

۲. پیشینه تحقیق

انگل (۱۸۵۷)، در پژوهشی وضعیت رفاه خانوار را با استفاده از الگوهای مصرف آن‌ها اندازه‌گیری کرده است. همچنین، وی طبقه‌بندی هزینه خانوار را طبق خواسته‌ای که خانوار داشتند انجام داده و کالاها و خدمات را براساس هدف مصرف گروه‌بندی کرده

است. در این راستا، انگل ثابت کرده است که تغذیه اساسی‌ترین خواسته خانوار است؛ زیرا بر الگوهای هزینه خانوارهای با سطح درآمد پایین حاکم است. لیندرت^{۳۰} (۱۹۸۰)، با استفاده از آمار هزینه خانوار هزینه سالانه یک بچه از زمانی که متولد می‌شود تا رساندن آن به سن بلوغ را محاسبه کرده و از آن به‌عنوان ارزش پولی یک فرد یاد کرده است. با تقسیم این هزینه‌ها بر کل بودجه خانوار می‌توان مقیاس معادل آن خانوار را به‌دست آورد.

انگل (۱۸۹۵)، در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که سهم هزینه غذای خانوارها به‌طور افزایشی تابعی از اندازه خانوارها و درآمد آن‌ها است؛ به‌طوری که خانوارهایی که دارای درآمد بیشتری هستند، سهم هزینه غذای کمتری نسبت به خانوارهای با درآمد کمتر دارند. همچنین، خانوارهای فقیر سهم هزینه غذای بالاتری نسبت به خانوارهای ثروتمند دارند. بنابراین، سهم هزینه غذا به کل هزینه خانوارها به‌عنوان اولین شاخص رفاه خانوارها با رویکرد انگل محسوب می‌شود (لیوبل و پنداکور^{۳۱}، ۲۰۰۶).

پریس و هوتکر^{۳۲} (۱۹۵۵)، تخصیص بودجه خانوار را به‌عنوان یکی از موضوع‌های سنتی در اقتصاد رفاه مورد بررسی قرار داده است. بر این اساس، سهم بودجه خانوار از کل منابع خانوار که برای خرید کالای خاص یا یک گروه مشخصی از کالاها صرف شده، حاوی اطلاعات مفیدی برای روشن شدن الگوی هزینه خانوار و چگونگی تخصیص بودجه خانوار است.

ماجومدر و چاکرابارتی (۲۰۰۸)، در پژوهشی مقیاس معادل به روش منحنی انگل را برای ۵۹۵۹ خانوار از ۱۵ ایالت بزرگ هندوستان در بخش شهری را در سه نوع خانوار مورد بررسی قرار داده‌اند. خانوار نوع اول شامل دو نفر بزرگسال، خانوار نوع دوم شامل دو نفر بزرگسال و یک فرزند پسر (۰-۱۷) و خانوار نوع سوم شامل دو نفر بزرگسال و یک فرزند دختر (۰-۱۷) در نظر گرفته‌اند. تعداد خانوارهای مورد بررسی نوع اول ۳۳۲۱ خانوار، نوع دوم ۱۵۱۳ خانوار و نوع سوم ۱۱۲۵ خانوار بوده‌اند. همچنین، تعداد گروه‌های کالایی شامل ۱۰ گروه کالایی؛ ۱) غلات و حبوبات و غلات و حبوبات جایگزین؛ ۲) شیر و محصولات شیر؛ ۳) روغن‌های خوراکی؛ ۴) گوشت،

ماهی و تخم مرغ؛ ۵) شکر و نمک؛ ۶) مواد غذایی دیگر؛ ۷) تنباکو و مسکرات؛ ۸) لباس و کفش؛ ۹) خدمات و ۱۰) مواد غیر خوراکی بوده است. بعد از برآورد مقیاس معادل، ضریبی که برای پسر بچه‌ها به دست آمده ۰/۳۱۹ و برای دختر بچه‌ها ۰/۳۷۶ بوده است؛ در نتیجه، هزینه پرورش پسر بچه‌ها کمتر از هزینه دختر بچه‌ها برای خانوارهای مورد بررسی بوده است.

شفیخ و نارجا (۲۰۱۴)، در پژوهشی با استفاده از روش انگل، سطح رفاه خانوارهای کشور آلبانی را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها جهت افزایش سطح رفاه خانوارها دو راه حل پیشنهاد داده‌اند، اول این که تمام اعضای خانوار را یکسان در نظر بگیریم و دوم تمام خانوارها را با یکدیگر برابر بگیریم. در راه‌حل‌های پیشنهادی استفاده از متغیرهای جمعیت‌شناختی را یک امر ضروری بیان کرده‌اند.

مولانا و رحیمی (۲۰۱۴) در پژوهشی به برآورد مقیاس معادل به روش منحنی انگل برای خانوارهای ایرانی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خانوار بر هزینه بچه‌های خانوارهای ایرانی اثرگذار بوده است.

خلجی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی مقیاس معادل خانوارهای ایرانی را با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متفاوت در دوره زمانی (۱۳۸۶-۱۳۸۲) محاسبه کرده‌اند. در این پژوهش مقیاس معادل خانوار با در نظر گرفتن گروه‌های مختلف کالایی از قبیل غذا، دخانیات، پوشاک، هزینه‌های منزل، اثاثیه، هزینه تفریح و تحصیل و سایر هزینه‌های خانوار محاسبه شده است. همچنین، خصوصیات جمعیتی از قبیل اندازه خانوار، سن سرپرست خانوار و نیز شهری و روستایی بودن را نیز وارد کرده‌اند و خانوار دونفری شهری را به‌عنوان خانوار مرجع در نظر گرفته‌اند. آن‌ها روند تغییرات مقیاس‌های معادل عمومی خانوارهای شهری و روستایی به‌همراه تغییر در اندازه خانوار و تغییر سن سرپرست خانوار محاسبه کرده‌اند. نتایج حاصل شده بیانگر این است که مقیاس‌های معادل عمومی خانوار دو نفره روستایی کمتر از نصف خانوارهای دو نفره شهری است. این امر بیانگر تفاوت زیاد مخارج خانوار در شهر و روستا است. همچنین، با افزایش اندازه خانوارها، تفاوت بین شهر و روستا شروع به کاهش می‌کند.

شریفی و لطفی (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بیان سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) پرداخته‌اند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که از منظر قرآن و سنت پیشوایان معصوم باورها و اعتقادات نقش اساسی در خانواده دارند و ازدواج را امری مقدس می‌دانند و همگان را به این امر فرا خوانده است و به آن تشویق می‌نماید.

محمدی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با برآورد سیستم تقاضای ایدئال درجه دوم و مقیاس قیمت‌گذاری به روش رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب غیرخطی مقیاس معادل خانوارهای روستایی را در دوره (۱۳۹۱-۱۳۸۷) محاسبه کرده‌اند. نتایج حاصل شده بیانگر این است که هزینه نسبی هر کودک در خانوارهای روستایی معادل ۱۵ درصد هزینه یک بزرگ‌سال است.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی سطح رفاه خانوارهای استان خراسان شمالی در طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ با کمک منحنی‌های انگل پرداخته‌اند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که متغیرهای جنسیت سرپرست خانوار، سطح سواد سرپرست خانوار، اندازه خانوار و محل سکونت خانوار بر سطح رفاه خانوار اثرگذار بوده است.

جمع‌بندی حاصل از پیشینه تحقیق بیانگر این است که در برخی پژوهش‌های انجام‌شده روند تغییرات مقیاس‌های معادل عمومی خانوارهای شهری و روستایی را به‌همراه تغییر در اندازه خانوار و تغییر سن سرپرست خانوار محاسبه کرده‌اند. در برخی مطالعات انجام شده در در دهه‌های گذشته سهم هزینه غذا به کل هزینه خانوارها به‌عنوان اولین شاخص رفاه خانوارها با رویکرد انگل مورد استفاده قرار گرفته است که به‌طور افزایشی تابعی از درآمد آن‌ها است. به‌طوری که خانوارهایی که دارای درآمد بیشتری هستند، سهم هزینه غذای کمتری نسبت به خانوارهای با درآمد کمتر دارند. علاوه بر درآمد، متغیرهای جمعیت‌شناختی خانوار از قبیل اندازه (بعده) خانوار، سن سرپرست خانوار، میزان تحصیلات سرپرست خانوار و شهری یا روستایی بودن بر سطح رفاه خانوار اثرگذار هستند.

۳. الگوی تحقیق و داده‌ها

در بررسی رفاه خانوار، دو رویکرد مبتنی بر تابع مطلوبیت و رویکرد مبتنی بر تصریح معادلات اقتصادسنجی مطرح است. جرجنسون و اسلنیک^{۳۳} (۱۹۸۷)، لیوبل^{۳۴} (۱۹۸۹)، پنداکور^{۳۵} (۱۹۹۹) و دونالدسون و پنداکور^{۳۶} (۲۰۰۴) رویکرد مبتنی بر تابع مطلوبیت خانوار را ارائه نموده‌اند. در رویکرد مبتنی بر معادلات اقتصادسنجی اولین مدل رگرسیونی که در آن تحلیل‌های تجربی در زمینه الگوی هزینه خانوار صورت گرفته است، به ورکینگ^{۳۷} (۱۹۴۳) و لیسر^{۳۸} (۱۹۶۳) برمی‌گردد. سپس، بیولی^{۳۹} (۱۹۸۲) و پریس و هوتکر^{۴۰} (۱۹۵۵) یک مدل نیمه لگاریتمی به صورت رابطه زیر مطرح کرده‌اند:

$$\frac{E_{i,h}}{E_h} = W_{ih} = \alpha_i + \beta_i \ln E_h + u_{ih} \quad i=1,\dots,N, \quad h=1,\dots,H \quad (1)$$

که در آن، W_{ih} سهم هزینه غذای خانوار h ام $(E_{i,h})$ ، از کل هزینه خانوار (E_h) است و $E_h = \sum_i E_{i,h}$ بیانگر کل هزینه خانوار است. اندیس i به یک طبقه‌بندی از هزینه‌های خانوار از قبیل (غذا و غیره)، اشاره دارد. β_i ضریب لگاریتم خارج کل خانوار است. بر اساس قانون انگل رابطه منفی بین کل هزینه خانوار و سهم هزینه غذای خانوار h ام از کل هزینه خانوار وجود دارد. انگل (۱۸۹۵) معتقد است که سهم هزینه غذا در هزینه کل خانوار شاخص خوبی از سطح رفاه خانوار است. به عبارت دیگر، اگر خانوارها با توجه به سهم هزینه خوارک‌شان مرتب کنیم، در عمل آن‌ها را با توجه به سطح رفاه آن‌ها مرتب کرده‌ایم و این فرایند می‌تواند بین خانوارهایی که ترکیب جمعیتی متفاوتی دارند، نیز به کار رود. تأیید قانون انگل بیانگر این است که بین خانوارهای دارای ترکیب جمعیتی یکسان، آن‌هایی که سهم هزینه خوراک آن‌ها بیشتر است، عموماً خانوارهایی هستند که درآمد کمتری دارند. سپس با ثابت بودن سایر شرایط، آن‌ها دارای سطح رفاه پایین‌تری هستند.

اگر مخارج کل خانوارها ثابت باشد، خانوار پرجمعیت سهم بیشتری از بودجه خود را صرف غذا می‌کند. در نتیجه محنی انگل به سمت بالا و راست منتقل می‌شود. به پیروی از پریس و هوتکر^{۴۱} (۱۹۵۵) و لیوبل و پنداکور (۲۰۰۹)، مدل ارائه‌شده اولیه را

با وارد کردن ویژگی‌های جمعیت از قبیل بُعد خانوار و سن سرپرست خانوار، به صورت زیر تعمیم داده شده است:

$$W_{ih} = \alpha_i + \beta_i \ln E_{hi} + \gamma_i HSIZE + \phi_i HAGE + u_{ih} \quad (2)$$

$i=1, \dots, N, \quad h=1, \dots, H$

که در آن، W_{ih} سهم هزینه غذای خانوار h ام $(E_{i,h})$ ، از کل هزینه خانوار (E_h) است و $E_h = \sum_i E_{i,h}$ بیانگر کل هزینه خانوار است. اندیس i به یک طبقه‌بندی از هزینه‌های خانوار از قبیل (غذا و غیره)، اشاره دارد. β_i ضریب لگاریتم مخارج کل خانوار است. براساس قانون انگل رابطه منفی بین کل هزینه خانوار و سهم هزینه غذای خانوار h ام از کل هزینه خانوار وجود دارد. ضرایب γ_i و ϕ به ترتیب مربوط به بُعد (اندازه) خانوار ($HSIZE$) و سن سرپرست خانوار ($HAGE$) است. با افزایش بُعد خانوار و سن سرپرست خانوار منحنی انگل به سمت بالا و راست منتقل می‌شود و باعث افزایش سهم هزینه غذای خانوار می‌شود. تعداد فرزندان خانواده با توجه به نوع نگرش افراد به فرزندآوری، می‌تواند تفاوت داشته باشد، اما جهت‌گیری کلی روایات معصومین (علیهم‌السلام) به سمت فرزند زیاد داشتن می‌باشد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «با یکدیگر ازدواج کنید و بر تعدادتان بیفزایید، همانا من به تعداد شما مباحثات می‌کنم» (بحارالانوار، ج ۱۷، ص. ۲۵۹). البته تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان، امر بسیار مهمی است که لازم است در فرزندآوری مورد توجه قرار گیرد، بنابراین چنانچه خانواده‌ای توانایی بر طرف کردن نیازهای مادی و معنوی فرزندان خود را دارد، می‌تواند برای داشتن تعداد بیشتر فرزند برنامه‌ریزی کند. دولت نیز در این زمینه وظیفه دارد پرداخت‌های حمایتی لازم به منظور پرداخت هزینه اضافی هر فرزند را به‌کارگیرد تا کاهش رفاه خانوار در نتیجه افزایش اندازه خانوار جبران کند.

در ادامه در این پژوهش با وارد کردن متغیر محل زندگی خانوار (شهری یا روستایی)، مدل مورد نظر تعمیم داده شده است:

$$W_{ih} = \alpha + \beta_i \ln E_{hi} + \gamma_i HSIZE + \phi_i HAGE + \mu_i RU + u_{ih} \quad (3)$$

$i=1, \dots, N, \quad h=1, \dots, H$

که در آن، W_{ih} سهم هزینه غذای خانوار h ام ($E_{i,h}$)، از کل هزینه خانوار (E_h) است و $E_h = \sum_i E_{i,h}$ بیانگر کل هزینه خانوار است. اندیس i به یک طبقه‌بندی از هزینه‌های خانوار از قبیل (غذا و غیره)، اشاره دارد. β_i ضریب لگاریتم خارج کل خانوار است. بر اساس قانون انگل رابطه منفی بین کل هزینه خانوار و سهم هزینه غذای خانوار h ام از کل هزینه خانوار وجود دارد و انتظار بر این است که ضریب β_i منفی باشد. ضرایب γ_i و ϕ در معادلات ۲ و ۳ به ترتیب مربوط به بُعد (اندازه) خانوار ($H SIZE$) و سن سرپرست خانوار ($H AGE$) است. بنابراین، با افزایش بُعد خانوار و سن سرپرست خانوار محنی انگل به سمت بالا و راست منتقل می‌شود و باعث افزایش سهم هزینه غذای خانوار و کاهش رفاه آن‌ها می‌شود و انتظار بر این است که این ضرایب مثبت باشند. μ_i ضریب متغیر RU محل سکونت خانوار (شهری و روستایی) است. مقدار این متغیر مجازی برای خانوار شهری عدد یک و برای خانوار روستایی عدد صفر در نظر گرفته شده است. علامت منفی ضریب μ_i نشان می‌دهد با تغییر محل سکونت از روستا به شهر سهم هزینه غذا کاهش و رفاه افزایش می‌یابد و خانوار شهری از سطح رفاه بالاتری برخوردار می‌شوند.

اطلاعات مربوط به داده‌های درآمد - هزینه خانوار جمع‌آوری شده به وسیله مرکز آمار ایران شامل ویژگی‌های خانوار از قبیل تعداد فرزندان، سن، سواد، تأهل و سایر ویژگی‌های سرپرست خانوار می‌باشد. این داده‌ها در گروه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خانوار، ویژگی‌های محل سکونت، هزینه‌های مصرفی و انواع درآمدهای خانوار قرار می‌گیرند. دیتون (۱۹۹۷) تورش‌دار بودن تخمین‌ها بدون استفاده از وزن‌های احتمالی در الگوی برآوردی را اثبات کرده است. وی علاوه بر لحاظ کردن وزن‌های احتمالی^۲، ویژگی‌های داده‌های نظرسنجی را در برآورد الگوی تصریح شده وارد کرده است. همچنین، رحیمی (۲۰۱۴) یک روش برای ساختن این وزن‌ها ارائه نموده است.

۴. برآورد الگو و تحلیل نتایج

در این پژوهش برآورد الگوهای تصریح شده با استفاده از روش حداقل مربعات وزنی - با استفاده از وزن‌های احتمالی - صورت گرفته است و از داده‌های ۹۵۷۸ خانوار شهری

و روستایی استان اصفهان در دوره زمانی (۱۳۸۶-۱۳۹۳) استفاده شده است. داده‌های هزینه خانوار با برنامه‌نویسی در نرم‌افزار (Stata) استخراج شده‌اند. نتایج حاصل از برآورد الگوی اول در جدول (۱) گزارش شده است.

جدول ۱: نتایج برآورد الگوی تصریح شده اول^{۴۳}

Pooled**	سال						ضرایب
	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۰	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	
-۰/۰۳۸۴۳۶ (-۱۸/۲۹)	-۰/۰۷۱۴۶۳ (-۹/۲۶)	-۰/۰۶۷۵۸۰۹ (-۱۳/۳۳)	-۰/۰۶۷۹۵۱ (-۱۳/۱۸)	-۰/۰۵۰۱۰۸ (-۱۱/۰۰)	-۰/۰۴۸۴۰۱۲ (-۹/۷۹)	-۰/۰۴۴۲۷۷۳ (-۶/۸۳)	$\hat{\beta}$
۱/۰۲۷۹۵ (۲۶/۷۰)	۱/۷۷۳۱۶ (۱۲/۵۰)	۱/۶۰۰۹۴ (۱۶/۸۲)	۱/۵۵۷۷۷ (۱۶/۴۴)	۱/۱۹۸۰۵ (۱۴/۶۱)	۱/۱۵۰۱۰۸ (۱۲/۹۵)	۱/۰۳۷۳۸۹ (۸/۸۹)	$\hat{\alpha}$
۰/۰۳۳	۰/۰۵۷۹	۰/۱۱۲۹	۰/۱۱۲۶	۰/۰۸۰۰	۰/۰۸۰۲	۰/۰۷۹۸	R^2
۹۵۷۸	۱۳۹۸	۱۳۹۸	۱۳۷۲	۱۳۹۰	۱۴۲۳	۵۴۰	N^*

* ستون pooled بر اساس داده‌های دوره زمانی (۱۳۸۶-۱۳۹۳) برآورد شده است.^{۴۴} ** N_i تعداد خانوارهای نمونه است. اعداد داخل پرانتز آماره آزمون است. مأخذ: یافته‌های تحقیق

با وارد شدن متغیرهای جمعیت‌شناختی در الگوی دوم و وارد کردن متغیرهای جمعیت‌شناختی و محل زندگی خانوار در الگوی سوم، نتایج حاصل از برآوردهای صورت گرفته به ترتیب در جدول (۲) و (۳) گزارش شده است.

جدول ۲: نتایج برآورد الگوی تصریح شده دوم با وارد شدن متغیرهای جمعیت‌شناختی

Pooled**	سال						ضرایب
	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۰	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	
-۰/۰۳۹۴۸ (-۱۷/۸۵)	-۰/۰۶۸۷۱۲ (-۱۲/۲۴)	-۰/۰۴۷۵۸ (-۸/۴۸)	-۰/۰۷۸۲۲ (-۱۴/۰۷)	-۰/۰۵۹۲۴۷ (-۱۱/۸۸)	-۰/۰۶۰۴۲۲ (-۱۱/۵۰)	-۰/۰۵۱۰۱۹ (-۷/۴۳)	$\hat{\beta}$
۰/۰۱۰۲۳ (۸/۲۴)	۰/۰۱۴۳۰ (۴/۲۵)	۰/۰۱۲۷۱ (۴/۲۹)	۰/۰۲۰۵۹۳ (۷/۵۷)	۰/۰۱۸۶۸۹ (۶/۹۹)	۰/۰۱۳۴۵۵ (۷/۵۳)	۰/۰۱۸۲۸۳ (۳/۹۶)	$\hat{\gamma}$
۰/۰۰۱۴۳ (۱۳/۳۷)	۰/۰۰۱۵۹۳ (۶/۴۵)	۰/۰۰۱۲۶۶ (۴/۹۴)	۰/۰۰۱۴۷۷ (۶/۵۱)	۰/۰۰۱۳۰۵ (۵/۵۴)	۰/۰۰۰۸۱۸ (۳/۴۷)	۰/۰۰۰۸۷۳ (۲/۶۸)	$\hat{\phi}$
۰/۹۳۹۱ (۲۳/۱۹)	۱/۴۹۴۷ (۱۴/۲۶)	۱/۱۰۵۹ (۱۰/۵۸)	۱/۵۹۹۸ (۱۵/۷۸)	۱/۲۳۱۵ (۱۳/۸۱)	۱/۲۵۹۰۴ (۱۳/۴۵)	۱/۰۶۸۹۰ (۸/۶۹)	$\hat{\alpha}$
۰/۰۵۴	۰/۱۴۳۰	۰/۰۷۶۷	۰/۱۶۲۵	۰/۱۴۳۰	۰/۱۰۳۰	۰/۱۱۷۰	R^2
۹۵۷۸	۱۳۹۸	۱۳۷۴	۱۳۷۲	۱۳۹۰	۱۴۲۳	۵۴۰	N^*

* ستون pooled بر اساس داده‌های دوره زمانی (۱۳۸۶-۱۳۹۳) برآورد شده است. ** N_i تعداد خانوارهای نمونه است. اعداد داخل پرانتز آماره آزمون است. مأخذ: یافته‌های تحقیق

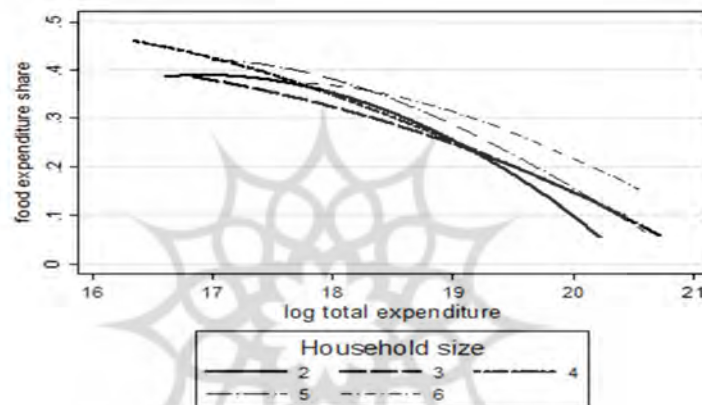
جدول ۳: نتایج برآورد الگوی تصریح شده سوم با وارد شدن متغیرهای جمعیت شناختی و محل زندگی خانوار

سال ضرایب	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	Pooled**
$\hat{\beta}$	-۰/۰۴۸۲۸ (-۹/۴۹)	-۰/۰۴۶۶۱۸ (-۹/۲۸)	-۰/۰۶۳۱۶ (-۱۱/۱۷)	-۰/۰۳۳۳۷ (-۵/۹۷)	-۰/۰۵۰۱۴ (-۸/۹۱)	-۰/۰۳۰۱۵ (-۳/۷۳)	-۰/۰۳۶۳۳ (-۱۶/۵۶)
$\hat{\gamma}$	۰/۰۱۵۸۳۶ (۶/۸۴)	۰/۰۱۵۵۱۵ (۵/۹۳)	۰/۰۱۸۰۰ (۶/۷۷)	۰/۰۱۰۸۵ (۳/۷۹)	۰/۰۰۹۶۵۵ (۲/۹۷)	۰/۰۱۹۷۸ (۴/۸۱)	۰/۰۰۹۷۱۰ (۷/۹۱)
$\hat{\phi}$	۰/۰۰۰۷۳۲ (۳/۲۶)	۰/۰۰۱۲۱۵ (۵/۳۱)	۰/۰۰۱۴۷۴ (۶/۶۸)	۰/۰۰۱۳۵۱ (۵/۴۷)	۰/۰۰۱۴۲۵ (۶/۰۱)	۰/۰۰۰۶۳ (۱/۹۶)	۰/۰۰۱۳۲۹ (۱۲/۴۷)
$\hat{\mu}$	-۰/۰۸۷۰۹ (-۱۲/۳۸)	-۰/۰۶۸۸۷۰ (-۹/۳۴)	-۰/۰۶۴۹۴ (-۹/۰۴)	-۰/۰۷۶۹۶ (-۱۰/۱۶)	-۰/۰۸۶۴۵ (-۱۱/۲۲)	-۰/۰۱۹۰۲۲ (-۱۷/۲۲)	-۰/۰۵۱۶۱ (-۱۵/۴۱)
$\hat{\alpha}$	۱/۰۹۷۷ (۱۲/۲۱)	۱/۰۵۳۷ (۱۱/۸۹)	۱/۳۶۳۷ (۱۱/۸۹)	۰/۸۸۲۱ (۸/۵۵)	۱/۲۱۴۰ (۱۱/۷۳)	۰/۸۲۱۳ (۵/۴۱)	۰/۹۱۷۹ (۲۲/۹۳)
R^2	۰/۱۹۰۵	۰/۱۷۴۳	۰/۱۷۴۳	۰/۱۴۱۴	۰/۲۱۴۰	۰/۲۴۷۹	۰/۰۷۶۹
N^*	۱۴۲۳	۱۳۹۰	۱۳۷۲	۱۳۷۴	۱۳۹۸	۱۳۹۸	۹۵۷۸

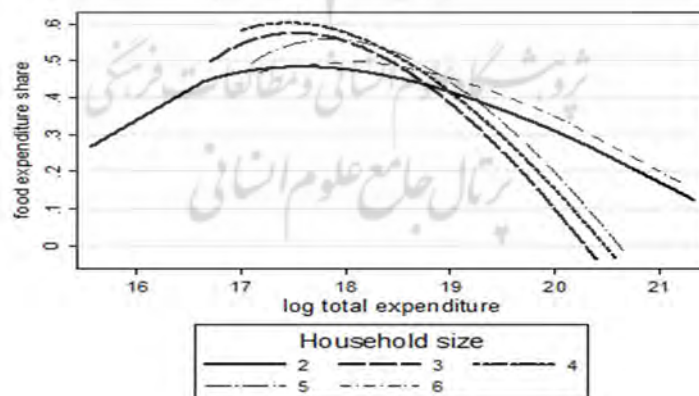
* ستون pooled براساس داده‌های دوره زمانی (۱۳۸۷-۱۳۹۳) برآورد شده است. ** N_t تعداد خانوارهای نمونه است. اعداد داخل پرانتز آماره آزمون است. مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از برآوردهای مدل‌های ۱، ۲ و ۳ در جداول (۱) تا (۳) نشان می‌دهند که قانون انگل برای خانوارهای استان اصفهان تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، علامت ضریب برآوردی متغیر هزینه کل ($\hat{\beta}$) در الگوهای برآوردی منفی است و این بدین معناست که با افزایش هزینه کل خانوار سهم هزینه خوراک خانوارهای استان اصفهان کاهش می‌یابد. بنابراین، طبق قانون انگل سطح رفاه آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. علامت ضرایب برآوردی متغیرهای اندازه خانوار ($\hat{\gamma}$) و سن سرپرست خانوار ($\hat{\phi}$) مثبت و منطبق با مبانی نظری است. بر این اساس، با افزایش اندازه خانوار و افزایش سن سرپرست خانوار، سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوارهای در استان اصفهان افزایش یافته است. بنابراین، بر اساس قانون انگل رفاه خانوارهای استان اصفهان کاهش می‌یابد. متغیر محل سکونت (شهری و روستایی) نیز بر سطح رفاه خانوارهای استان اصفهان اثرگذار بوده است و ضریب برآوردی آن منفی است. از آنجایی که برای متغیر مجازی شهری و روستایی به ترتیب مقادیر صفر و یک در نظر گرفته شده است، علامت منفی این متغیر نشان می‌دهد با تغییر محل سکونت از روستا به شهر سهم هزینه خوراک خانوار کاهش یافته است و خانوار شهری از سطح رفاه بالاتری در مقایسه با خانوار روستایی

برخوردار هستند. تمامی ضرایب برآوردی در سطح یک درصد معنادار می‌باشد.^{۴۵} همان‌طور که دیتون (۱۹۹۷) درخصوص R^2 مدل‌های استفاده شده از داده‌های نظرسنجی بیان می‌کند، ضریب همبستگی و ضرایب تخمین هر سه مدل نزدیک به نتایج کارهای دیتون (۱۹۹۷)، مولانا و رحیمی (۲۰۱۴)، رحیمی (۲۰۱۴)، چای و مونتا (۲۰۱۰) است. سهم هزینه مواد غذایی در کل هزینه‌های خانوارهای ۲ تا ۶ نفره^{۴۶} در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳ در نمودارهای (۱) و (۲) نشان داده شده است.



نمودار ۱: سهم هزینه مواد غذایی در کل هزینه خانوارهای ۲ تا ۶ نفره در سال ۱۳۹۱
مأخذ: یافته‌های تحقیق



نمودار ۲: سهم هزینه مواد غذایی در کل هزینه خانوارهای ۲ تا ۶ نفره در سال ۱۳۹۳
مأخذ: یافته‌های تحقیق

نمودارهای (۱) و (۲) بیانگر این است که با افزایش هزینه کل خانوار، سهم هزینه خوراک خانوارهای استان اصفهان کاهش می‌یابد و طبق قانون انگل سطح رفاه آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس، با افزایش اندازه خانوار و افزایش سن سرپرست خانوار، سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوارهای در استان اصفهان افزایش یافته است. بنابراین، بر اساس قانون انگل رفاه خانوارهای استان اصفهان کاهش می‌یابد. همچنین، با افزایش اندازه خانوار، سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوار افزایش یافته است. بنابراین، بر اساس قانون انگل با افزایش بعد خانوار رفاه خانوار کاهش یافته است.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

نگاه مکاتب غربی و اسلامی به نهاد خانواده و گسترش آن از لحاظ، اهداف، بُعد خانوار و کارکرد متفاوت است. در این راستا، تحلیل اقتصادی خانواده در نظام غرب در چارچوب عقلانیت ابزاری تحلیل می‌شود. در این نوع عقلانیت، تصمیم به تشکیل و اندازه خانواده در چارچوب منافع شخصی و عدم توجه به فلسفه وجودی انسان، معاد و آخرت و انگیزه‌های معنوی شکل می‌گیرد؛ اما نهاد خانواده، کارکردها و رفاه آن در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوار، به‌عنوان یکی از شاخص‌های رفاهی است و بُعد خانوار، سن سرپرست خانوار، سطح تحصیلات سرپرست خانوار و محل زندگی خانوار بر این شاخص اثرگذار هستند. به‌علاوه، دولت در هر کشوری به‌دنبال این است تا سیاست‌های خود را در جهت افزایش رفاه خانوارها طوری تنظیم کنند که رضایت جامعه را به‌همراه داشته باشند. بر این اساس، سطح رفاه خانوارها یکی از دغدغه‌های سرپرست خانوارها و سیاست‌مداران است. در این راستا، کشورهای مختلف سازمان حمایتی برای حمایت از خانوارها ایجاد کرده‌اند تا به خانوارها در تعیین حداقل سطح رفاه کمک کنند.

در این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر سهم هزینه خوراک از کل هزینه‌های خانوارهای شهری و روستایی با تأکید بر رویکرد اسلام به بُعد خانوار پرداخته شده است. در این راستا، از روش حداقل مربعات معمولی وزنی - با استفاده از وزن‌های احتمالی - و داده‌های ۹۵۷۸ خانوار در استان اصفهان در دوره زمانی (۱۳۹۳-۱۳۸۶) استفاده شده است. داده‌های هزینه خانوار با برنامه‌نویسی در نرم‌افزار (Stata) استخراج

14. Chai & Montea
15. Household equivalence scales
16. Engel
17. Rothbarth
18. Deaton
19. Attanasio
20. Hendry
21. Majmuder and Chakrabarty.
22. Chai and Moneta
23. Molana and Rahimi
24. Pasinetti
25. Hendry
26. Chai and Moneta
27. Witte
28. Smith
29. Senior
30. Lindert
31. Lewbel & Pendakur
32. Paris & Houthakker
33. Jorgenson and Slesnick
34. Lewbel
35. Donaldson and Pendakur
36. Donaldson and Pendakur
37. Working
38. Leser
39. Bewley
40. Paris and Houthaker
41. Paris and Hotakker
42. Probability weight

۴۳. دیتون (۱۹۹۷) به‌عنوان یکی از اقتصاددانانی که در حوزه اقتصاد کاربردی در دهه‌های گذشته به بررسی سهم هزینه غذا در بودجه خانوار پرداخته است در کتاب خود در سال ۱۹۹۷ بیان کرده است که حداکثر R^2 در مدل‌های اقتصادسنجی که با داده‌های نظرسنجی (Survey data) برآورد می‌شوند ۱۳ درصد است.

۴۴. داده‌های مربوطه هر سال توسط مرکز آمار به‌صورت نظرسنجی جمع‌آوری می‌شود و تنها ۲۰ درصد خانوارها در سال‌های بعد پیگیری می‌شوند و ۸۰ درصد خانوارهای دیگر خانوارهای جدید هستند. بر همین اساس امکان برآورد به روش پانل دیتا وجود ندارد و باید به روش پولینگ برآورد شوند.

۴۵. کلیه آمارها و نتایج نزد نویسندگان می‌باشد که نتایج در صورت درخواست قابل ارائه است.

۴۶. برای کل کشور اندازه خانوار به شش نفر محدود شده است، زیرا تقریباً ۹۲ درصد خانوارها زیر شش نفر بوده‌اند.

کتابنامه

- ایزدخواستی، حجت (۱۳۹۸)، «اثرات رفاهی رفتار مصرفی مبتنی بر مبانی ارزشی خانواده در اسلام؛ با تأکید بر تعدیل رجحان زمانی». دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره دوم (پیاپی ۲۲)، صص ۱۹۳-۲۱۶.
- باستانی فر، ایمان و حیدری، محمدرضا (۱۳۹۴)، «تحلیل اثرهای رفاهی تابع تقاضای پول مبتنی بر مبانی اخلاقی خانواده در اسلام»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۶۰، صص ۱۶۵-۱۴۵.
- خلجی، علیرضا؛ راغفر، حسین و محمدی، تیمور (۱۳۸۶)، «الگوهای اندازه‌گیری مقیاس معادل خانوار و محاسبه آن در ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۲۲۱-۱۹۱.
- رحیمی، ابوالفضل؛ یزدانی، مهدی و حسن‌زاده، هادی (۱۳۹۸)، «سطح رفاه خانوارهای استان خراسان شمالی در طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳، اقتصاد و الگوسازی»، دوره ۱۰، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۸، صص ۱۵۳-۱۳۱.
- شریفی، عنایت‌اله و لطفی، مهرعلی (۱۳۹۲)، «سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام)»، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۱۰۰-۸۱.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: ج ۱۷، چاپ اول.
- محمدی، تیمور؛ سالم، علی اصغر و میر محمدعلی تجریشی، فاطمه (۱۳۹۵)، «اندازه‌گیری مقیاس معادل خانوارهای روستایی ایران»، پژوهش‌های اقتصاد ایران، سال بیست و دوم، شماره ۷۲، صص ۱۲۶-۱۰۳.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۶.
- مرکز آمار، سری زمانی داده‌های مقطعی اطلاعات هزینه درآمد خانوار، سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۶.
- Attanasio, O. (1999), *Consumption Demand*, NBER Working Papers 6466, National Bureau of Economic Research, Inc.
- Bastanifar, I. and Heidari, M. R. (2015), Analysis of welfare effects of money demand based on family moral principles in Islam, *Islamic Economics Quarterly*, 60:165-145. (In Persian).
- Becker, G. S. (1974), A Theory of Marriage: Part II, *Journal of Political Economy*, 82 (2): 11-26.
- Chai, A. and A. Moneta, (2008), *Satiation, Escaping Satiation, and Structural Change. Some Evidence from the Evolution of Engel Curves*, Max Planck Institute for Economics, Jena, Germany.
- Deaton, A and Muellbauer. J. (1980), *Economics and Consumer Behavior*, Cambridge University Press, Cambridge.
- Deaton, A. (1992), *Understanding Consumption*, Oxford: Clarendon Press.
- Deaton, A. (1997), *The analysis of household surveys: A microeconomic approach to development policy*. Johns Hopkins University Press. The World Bank.
- Donaldson, D. and K. Pendakur, (2004), Equivalent-expenditure functions and expenditure dependent equivalence scales, *Journal of Public Economics*, 88, 175-208.
- Ducpétiaux, E. (1855), *Budgets économiques des classes ouvrières en Belgique*. Bruxelles: M. Hayez, Imp. De La Commission Centrale

- Engel, E. (1857), *Die Produktions und Consumptions Verhältnisse des Königreichs Sachsen*, Zeitschrift des Statistischen Bureaus des Königlich Sachsischen Ministerium des Innern 22.
- Gossen, H. H. (1854), *Entwicklung der Gesetze des menschlichen Verkehrs und der daraus fließenden Regeln für menschliches Handeln*. (Translated into English as *The Laws of Human Relations and the Rules of Human Action Derived Therefrom*, MIT Press, 1983.)
- Hendry, D. F. (2000), *Econometrics: Alchemy or Science? Essays in Econometric Methodology*, Oxford: Oxford University Press.
- Izadkhasti, H. (2019), Welfare effects of consumer behavior based on family values in Islam: Emphasizing the adjustment of temporal preference, *Bi-quarterly Journal Islamic Economics Studies*, 2 (22):193-216. (In Persian).
- Jorgenson, D. W. and Slesnick, D. T. (1987), Aggregate Consumer Behavior and Household Equivalence Scales, *Journal of Business and Economic Statistics*, 5, 219-232.
- Khalaji, A. Raghfar, H. and Mohammadi, T. (2007), Patterns of measuring the equivalent household scale and its calculation in Iran, *Social Welfare Quarterly*, 6(24): 221-191. (In Persian).
- Le Play, Frederic (1855), *Les Ouvriers européens. etudes sur les travaux, la vie domestique et la condition morale des populations ouvrières de l'Europe*. Paris.
- Leser, C. (1963), *Forms of Engel Functions*, *Econometrica*, 31(4), 694-703.
- Lewbel, A. (1989), Household equivalence scales and welfare comparisons, *Journal of Public Economics*, 39, 377-391.
- Lewbel, A. (1989), Household equivalence scales and welfare comparisons, *journal of public economics*, 39, 377-391
- Lewbel, A. (2008), *Engel curve*. In Durlauf, S. N. and Blume, L. E., editors, *The New Palgrave Dictionary of Economics*. Palgrave Macmillan, Basingstoke
- Lewbel, and Pendakur, K. (2006), *Equivalence scales*, Entry for *The New Palgrave Dictionary of Economics*, 2nd edition.
- Lindert, H. (1980), Child Costs and Economic Development, in Richard A. Easterlin (ed.), *Population and Economic Change in Developing Countries*, (Chicago: University of Chicago Press for the National Bureau of Economic Research, 1980).
- Majlisi, M. B. (1979 AH), *Baharalanvar*, Beirut: 17, first edition. (In Arabic)
- Majumder, A., and Chakrabarty, M (2008), *Estimating Equivalence Scales through Engel Curve Analysis*, Discussion Paper ERU.
- Menger, C. (1871), *The Principles of Economics*. Free Press (1950), Glenco (IL).
- Mohammadi, T. Salem, A. A. and Mir Mohammad Ali Tajrishi, F. (2016), Measuring the Scale Equivalent to Rural Households in Iran, *Iranian Economic Research*, 72:126-103. (In Persian).
- Molana. H. and Rahim, A. (2014), Should all Iranian citizens receive the same subsidy rebate Estimates of Household Engel-curve-based Equivalence Scales for Iran, *Money and Economy*, 9:1-29.
- Musgrove, P. (1985), *Food needs and absolute poverty in urban South America*. *Review of Income and Wealth*, 31(1):63-83.
- Nicholson, J. L. (1976), Appraisal of Different Methods of Estimating Equivalence Scales and their Results, *Review of Income and wealth*, 22.
- Pasinetti, L. L. (1981), *Structural Change and Economic Growth*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Pendakur, K. (1999), Estimates and Tests of Base-Independent Equivalence Scales, *Journal of Econometrics*, 88, 1-40.
- Prais, S. J. and Houthakker, H. S. (1955), *The Analysis of Family Budgets Cambridge*: Cambridge University Press.
- Rahimi, A. Yazdani, M. and Hassanzadeh, H. (2019), The level of welfare of households in North Khorasan province during the years 2005 to 2014, *Economy and Modeling*, 10(2), 38:153-131. (In Persian).
- Rahimi. A. (2014), *Household Welfare in Iran an approach from Economic Behavioural Economics*, Da press, Iran.
- Rothbarth, E. (1943), *Note on a Method of Determining Equivalent Income for Families of Different Composition, in War-time Pattern of Saving and Spending*, Charles Madge, Cambridge, Cambridge University Press, Appendix 4.
- Sharifi, E. and Lotfi, M. A. (2013), Family life style in the Qur'an and the tradition of infallible leaders (2), *Journal of Quranic Knowledge*, 4(14): 100-81. (In Persian).
- Statistics Center of Iran, Statistical Yearbook of the country, (2007-2014), *Statistics Center*, Time series of cross-sectional data of household income expenditure information. (In Persian).
- Witt, U. (2001), Learning to consume, a theory of wants and the growth of demand. *Journal of Evolutionary Economics*, 11(1): 23-36.
- Working, H. (1943), Statistical laws of family expenditures, *Journal of the American Statistical Association*, 38, 43-56.
- Khafaj, E and Nurja, I (2014), Determination of the Key Factors That Influence Poverty Through Econometric Models, *European Scientific Journal*, 10(24).